



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۲ ■ مهر ۱۴۰۰

نوجوانان



عطیه ضرابی

گفت‌وگو با محمد گلزاده، عضو تیم ملی والیبال نوجوانان

## والیبال زندگی دوم من است

همه ما یک بار هم که شده؛ برای بازی‌های نفسگیر تیم والیبال مان می‌خکوب تلویزیون شده‌ایم و با هر بست، تشویق‌شان کرده‌ایم و از دور گفته‌ایم که به چه کسی پاس بدهند و کجا سرویس بزنند و آبشارها را چگونه مهار کنند! از هیچکس که پنهان نیست؛ در روزهایی نه چندان دور به جای این بازیکنان فعلی، نوجوانانی وارد تیم ملی می‌شوند و پرچم مان را بالاتر می‌برند که در این صفحه‌ها با آنها حرف می‌زنیم! امروز رفته‌ام سراغ امیرمحمد گلزاده، بازیکن تیم ملی والیبال نوجوانان و پای حرف‌هایش نشسته‌ام.

### برادرهای واقعی

حالا ما این همه از اوضاع خوب و گل و بلبل حرف می‌زنیم شما فکر نکنید آنجا کویت است‌ها! نه عزیز دل برادر، امیرمحمد می‌گوید بعضی وقت‌ها یک کارهایی را می‌کنی که بلافاصله می‌گویی، کاش فلان حرکت را نمی‌زدم؛ کاش فلان جا حواسم به تور می‌بود و از این حرف‌های کاش دار حسرت برانگیز. یا بعضی وقت‌ها که باعث باخت تیم می‌شوی و شرمندگی مثل دانه‌های عرق از سر و رویت می‌ریزد. اینجا است که برادرهای واقعی، دست‌شان را پشتت می‌گذارند و باهم، از مرحله‌ها عبور می‌کنید و ته راه هم یک آغوش از ته دل می‌گویید و خدا را شکر می‌کنید.

### سوت شروع

امیرمحمد از آنهایی نبوده که از کودکی دلش برای والیبال غنچ برود و خودش را کاپیتان بداند و شب‌ها رویای قهرمانی را در سرش بپروراند؛ اما از ۹ سالگی با تشویق پدرش، یک ناخنکی به والیبال زده و شیرینی‌اش را چشیده و نان و نمک خورده این ورزش شده! تا امروز که قدش حتما از پدرش هم بلندتر شده و آرزوهای پدرش را هم بلندتر بازی می‌کند. آقای گلزاده در می‌ان خدا روشکر گفتن‌هایش، از امکاناتی که پدر و خانواده‌اش و فدراسیون برایش مهیا کردند؛ تشکر می‌کند و کلا خانواده را عامل مهمی می‌داند.

### تراکتور وارد می‌شود!

می‌پرسم: دوست دارید کدام تیم را ببینید و از خوشحالی روی زمین بند نشوید؟ انگار که به او برخورد باشد؛ یک بادی به بغب می‌اندازد و می‌گوید: همه‌ی تیم‌ها را می‌بریم! اصلا باید برنده شویم! اما وسط حرف‌هایش یک اسمی از لهستان می‌آورد و می‌گوید که خیلی دلش می‌خواهد این تیم به خصوص را ببیند. البته بعدش تاکید می‌کند که پیروزی بر آنها اصلا برایشان سخت نیست و یک جورهایی مثل آب خوردن این حرف‌ها را می‌زند. حتما یک چیزی می‌داند که ما نمی‌دانیم! آخر امیرمحمد تلاش‌هایی از تیم‌شان دیده که ما ندیده‌ایم.

### به من بگو چگونه؟!

می‌پرسم، چطور وارد تیم ملی شدی؟ سرخ تلاش و کوشش را می‌گیرد و ربطش می‌دهد به هدفی که داشته، می‌گوید خیلی تلاش کرده که توانسته به اینجا برسد و خودش و خانواده‌اش را سربلند کند. واژه سربلند را زیر لبم تکرار می‌کنم. چقدر شیرین است! مثلاً می‌گوید درس و ورزش بال‌های یک آدم حرفه‌ای هستند و همین‌طور که در حرفه‌اش بالاتر می‌رود؛ می‌تواند درسش را هم به خوبی جلو ببرد. به خاطر همین اجحاف زیادی در حق درسش نکرده و سر خودش را شیره نمالیده است و پس بارک الله.

### زخم خورده‌ی والیبال

یک جمله چشنگی می‌گوید که می‌خواهم قابش کنم و بزنم به دیوار تحریریه: «شاید اگر آن زخم‌ها و دردها نبود؛ الان اینجا نبودم!» راست می‌گوید. بدن ورزشکارهای حرفه‌ای پراز درد و آسیب از همان ورزش است و یک جورهایی باید گفت، دردم از آن هست و درمان نیز هم؛ یعنی سعادت‌مندی خودش را در گرو آن می‌بیند و اصلا هم از دردهای بدنش ناراضی نیست؛ بلکه آنها را دوست دارد چون قوی‌ترش می‌کنند! شاید هم از محل آنها نور وارد می‌شود! اصلا به من چه؟ بروید از شمس و مولوی بپرسید.

### واما بشنوید از زندگی دوم نوجوان ایرانی!

امیرمحمد می‌گوید والیبال زندگی‌اش شده؛ زندگی دوم، شغل اصلی‌اش را والیبال می‌داند و وقتی از آن حرف می‌زند؛ چشم‌هایش برق می‌زند! از راه‌هایی که دوست دارد در این مسیر طی کند می‌گوید و آخر سر هم طوری که ما متوجه نشویم؛ برای خودش توی دلش دعا می‌کند که موفق‌تر و بهتر از این خود فعلی‌اش باشد. ما هم خودمان را می‌زنیم به کوچه علی‌چپ و توی دل مان آمین می‌گوییم، شما هم بگویید؛ جای دوری که نمی‌رود! از بازیکن‌های مورد علاقه‌اش هم که می‌پرسم؛ قسر در می‌رود و می‌گوید که همه‌شان را دوست دارد! ما هم باور می‌کنیم.

### درستایش کار گروهی

شاید شماهایی که دارید این یکی دو خط را می‌خوانید؛ دلتان بخواهد به تازگی وارد این رشته شوید. از امیرمحمد گلزاده به شما نصیحت «والیبال یک ورزش گروهی ست؛ باید به فکر گروه باشید نه شخص!» به نظرم اگر همین حرف آقای گلزاده را نه فقط در والیبال، که در زندگی خود به کار بگیریم؛ اینقدر تکروی و خودخواهی‌ها یقه‌مان را نمی‌گیرند. بیایید بگوییم دستش را از گلولی ما بردارد؛ این تفکر انفرادی! دم آقای گلزاده عزیز گرم! که دل به دل نوجوانه داد و برای ما حرف زد، امیدواریم توپ‌های خیر خدا، همیشه به زمین بازی زندگی‌اش بنشیند!

### رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود؟

شاید تو هم بعضی وقت‌ها خیلی تلاش کردی و آخر سر دست‌را روی زانوهایت گذاشته‌ای و نفس نفس زدی و توی دلت ناامید شدی! خواستم بگویم تنها نیستی! اما امیرمحمد گلزاده هم می‌گوید که تلاش یک امر نسبی ست. باید مداوم و کافی باشد تا نتیجه بدهد. مثل همان مصرع معروف: رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود!



### غیوران ایران زمین

همه‌ی مایک‌سری‌خاطرات داریم که باید آوری‌شان به خودمان می‌گوییم؛ فلانی! دمت گرم، آقای گلزاده هم بازی‌نیمه‌نهایی نوجوانان جهان مقابل روسیه را خاطره‌انگیزترین بازی می‌داند! چون خیلی خسته بودند اما به قول خودش غیرت‌مندانه بازی کردند و نتیجه‌ی زحمات‌شان را گرفتند. وقتی از این بازی حرف می‌زند؛ انگار که صحنه‌ها جلوی چشمش باشند؛ صدایش هم می‌خندد. آن موقع مثل خوشحالی‌های پس از گل، هرکسی یک کاری برای نشان دادن شادی‌اش انجام می‌داده و حرکتی می‌زده. البته می‌ان همه‌ی این شیرینی‌ها، پس از باخت، داخل رختکن هم مثل برادرهای واقعی هوای همدیگر را دارند و قول بازی‌های بهتر را به هم می‌دهند.